

بررسی راهکارهای افزایش جمعیت در ایران بر اساس سبک زندگی اسلامی

حمیدرضا سهرابی^{۱*}، فرزانه عسکری طیبی^۲

چکیده

فرزندآوری برای بقای نسل و جلوگیری از کاهش جمعیت مسلمانان، از گذشته تاکنون از مسائل مورد توجه عالمان دینی دنیای اسلام بوده است. این پژوهش با هدف افزایش جمعیت و با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و همچنین مدل نظری سبک زندگی اسلامی به دنبال بررسی راهکارهای افزایش جمعیت کشور در آینده است. مسئله اصلی در این نوشتار روند کاهشی نرخ رشد جمعیت کشور است که پیامدهای منفی برای کشور در آینده ایجاد خواهد کرد. بر اساس یافته‌های این پژوهش با ترویج سبک زندگی اسلامی و تقویت این باور که تولید نسل دستور خدای متعال و سنت پیامبر اسلام است و وجوب آن تابع شرایط خاصی نیست می‌توان افراد جامعه را به امر فرزندآوری تشویق کرد. مهم‌ترین راهکارهای عملی افزایش جمعیت عبارت است از تشویق جوانان به ازدواج و کاهش سن ازدواج، برنامه‌های تحکیمی با هدف کاهش میزان طلاق، جلوگیری از وسایل ضدبارداری و عقیم کردن، درمان و معالجه ناباروران، افزایش امید به آینده شغلی، جلوگیری از بی‌بند باری و فساد اخلاقی، راه‌اندازی شبکه‌های مجازی خانوادگی و مبارزه با اپیدمی کرونا در نتیجه با توجه به اینکه افزایش قدرت و اقتداربخشی به کشور و شکل‌گیری تمدن ایرانی و اسلامی در آینده تابعی از رشد و افزایش جمعیت در آینده است. باید با برنامه‌ریزی‌های متعدد جمعیت کشور را افزایش داده در غیر این صورت کشور در آینده با معضل جمعیتی روبرو خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: فرزندآوری، جمعیت، خانواده، سبک زندگی اسلامی.

۱- استادیار گروه معارف اسلامی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، یاسوج، ایران.

۲- اداره آموزش و پرورش بویراحمد

* نویسنده مسئول: dr.sohrabi1393@gmail.com

۳- تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۷

مقدمه و بیان مسئله

مسئله جمعیت و فرزند آوری از مسائل بنیادین در امر سیاست‌گذاری و آینده‌نگری است که همواره مورد توجه صاحب‌نظران علوم مختلف بوده است. بر اساس مطالعات جمعیت‌شناسی و دیدگاه‌های جمعیت‌شناسان، در صورت تداوم روند فعلی باروری، رشد جمعیت کشور در حدود سال‌های ۲۰-۱۴۱۵ به صفر خواهد رسید و رشد جمعیت منفی شده و ساختار جمعیت در بیست سال آینده به سمت سالخوردگی و کم‌جمعیتی پیش خواهد رفت.

در اواخر دهه شصت دولت‌های وقت جمهوری اسلامی با طرح «فرزند کمتر، زندگی بهتر» سیاست کاهش جمعیت را در پیش گرفتند. سیاست‌های کنترل جمعیت در دهه ۶۰-۷۰ کشور را گرفتار کاهش نرخ باروری کرده و آن موقعیت زمانی بود که بجای آن‌که به عنوان فرصت و یا پنجره طلایی به آن نگاه کنند به عنوان تهدید مطرح کردند. شاخص‌های افزایش مولید در آن زمان بسیار زیاد و مهاجرت به خارج کم و همچنین مرگ‌ومیر اطفال به دلیل بهبود وضع بهداشت رو به کاهش بود. در اواخر دهه شصت جنگ تحمیلی حزب بعث عراق علیه ملت ایران به پایان رسیده بود. برنامه‌های توسعه روستایی در خانه‌های بهداشت سرتاسر کشور اجرا و به به نقاط روستایی خدمات مناسبی مانند تشویق مردم به تنظیم خانواده و انجام واکسیناسیون مرتب انجام می‌شد لذا از میزان مرگ‌ومیر اطفال به دلیل امراض گوناگون جلوگیری و جمعیت به یک‌باره رشد بالایی پیدا کرده بود.

این کاهش جمعیت تهدیدی تحت عنوان «سالمندشدن» و «کم‌جمعیتی» جمعیت را به دنبال خود داشت. کم‌جمعیتی مسئله‌ساز است. پدیده کم‌جمعیتی باعث مهاجرت اتباع خارجی به کشور ایران در آینده است که بیشتر از طرف کشورهای اطراف به ایران صورت می‌گیرد. متأسفانه مهاجرت از اطراف برای ایران از لحاظ فرهنگی و اجتماعی و امنیتی مشکل‌زاست. هرچه نسبت مهاجرت جمعیت خارجی بالاتر برود، این‌ها به گروه‌های مسلط اجتماعی تبدیل می‌شوند که بعدها برای خود حق و حقوق ویژه‌ای مطالبه خواهند کرد و به تدریج این افزایش آمار مهاجرین ترکیب نژادی، فرهنگی، قومی کشور را به هم می‌ریزد. لذا باید برای یک جمعیت بزرگ با ۲۰۰ میلیون نفر در آینده نزدیک برنامه‌ریزی بلندمدت شکل بگیرد. به‌ویژه اینکه کمبود جمعیت موجبات از بین رفتن نسل و تمدن اسلامی - ایرانی می‌گردد.

غفلت و بعضاً تأثیرپذیری سیاستمداران از الگوهای تنظیم جمعیت متفکران لیبرال غرب در دهه ۶۰ و ۷۰ و رواج سبک زندگی غربی نتایج شوم اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی در قالب ابتذال، دشمنی با نهاد خانواده، افزایش سن ازدواج، ترویج و پرورش حیوانات خانگی مانند سگ، گربه، میمون .. و همچنین بی‌بندوباری و روابط نامشروع جنسی را به بار آورده است. روابط نامشروعی که در قالب‌هایی چون ازدواج سفید، همجنس‌گرایی، تغییر جنسیت و حتی اخیراً روابط جنسی با حیوانات، انسان را به موجودی بسیار ذلیل‌تر از اقوام دوره جاهلیت و قصص قرآنی همچون قوم لوط، قوم عاد و ... دچار کرده است و باعث فروپاشی خانواده و مجردی مطلق و بالا رفتن سن ازدواج گردیده است. از نتایج آن عدم رغبت به تشکیل خانواده و در نهایت کاهش جمعیت شده است. برخی گروه‌های وابسته فکری و حتی سیاسی و رسانه‌های معاند نظام جمهوری اسلامی در کشور تلاش کرده‌اند این مصادیق را ترویج کنند. گرایش به جشن ولنتاین، سگ‌گردانی در معابر و اظهار دوستی با حیوانات، باستان‌گرایی ماسونی، اظهار گرایش به ادیان دنیایی و غیر الهی ... از جمله موارد این حرکت خزنده و وابسته است.

در حال حاضر مانع اصلی رشد جمعیت در کشور عامل فرهنگی است. اگر قرار است برای تغییر روند رشد جمعیت، سیاستی به کار رفته شود باید در راستای حرکت به سمت الگوی زندگی اسلامی باشد. اگر سیاست مای تشویقی اقتصادی بدون تغییر سبک زندگی اجرا شود، همان رشد محدودی هم که در جمعیت ایجاد خواهد شد صرفاً در مناطق حاشیه‌ای کشور خواهد بود. یعنی گروه‌های جمعیتی‌ای که مشکل کمبود مولیدشان فقط اقتصادی است.

لذا در حال حاضر مانع اصلی رشد جمعیت در کشور عامل فرهنگی و یا همان سبک زندگی غربی است. اگر قرار است برای افزایش رشد جمعیت اقداماتی انجام گیرد، باید در راستای حرکت به سمت الگوی زندگی اسلامی باشد. اگر سیاست مای تشویقی اقتصادی بدون تغییر سبک زندگی اجرا شود با موفقیت روبرو نخواهد شد.

بنابراین چشم‌انداز مای مختلف مانند دینی، اجتماعی، سیاسی که نگاه گردد یکی از معادلات اصلی هر کشوری برای تمدن سازی همین بعد جمعیتی است. لذا باید سیاست افزایش جمعیت بر اساس مدل سبک زندگی اسلامی مورد توجه قرار بگیرد تا

مردم تشویق به تشکیل خانواده و گرایش به فرزند آوری داشته باشند. این پژوهش با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای و بر اساس چارچوب نظری سبک زندگی اسلامی به دنبال راهکارهای افزایش جمعیت در ایران است.

پیشینه و چارچوب نظری

مسئله کنترل جمعیت از گذشته مای دور ذهن محققین و صاحب‌نظران را به خود مشغول کرده است. جمعی از اندیشمندان بشری از گذشته تا کنون مانند قوانین حمورابی در فلات ایران باستان، متفکران قرون وسطی مسیحیت کاتولیک در اروپا قائل به افزایش جمعیت و برخی مانند حکمای چین باستان از جمله کونفوسیوس و بعضی متفکرین یونان باستان مانند افلاطون و ارسطو قائل به توازن جمعیت بوده‌اند، در دوره مدرنیسم اروپایی مالتوس و طرفداران او بر اساس بینش خاص لیبرالی، به جمعیت از بعد اقتصادی نگریسته‌اند، بر اساس این دیدگاه افزایش جمعیت سرباری برای جامعه است و جمعیت را عامل فقر و بدبختی معرفی کردند. نظریه مالتوس از جهات مختلف مورد نقد قرار گرفت و تجربه افزایش جمعیت برخی از کشورها همراه رشد اقتصادی آن‌ها مانند انگلستان، ایالات متحده آمریکا، برخی از کشورهای اروپایی و ژاپن دلیل واضحی بر اثبات این مدعاست (جمالی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۶۱).

در این زمینه هم در ایران از دوره پهلوی دوم به بعد تحقیقاتی در مورد کاهش یا افزایش جمعیت با رویکرد هنجاری شکل گرفته که به دلیل حجم بالا از آوردن آن‌ها خودداری می‌گردد و فقط به دو مورد از این تحقیقات اشاره می‌گردد. الهام فتحی در کتاب جمعیت‌شناسی ایران، ساختار و توزیع جمعیت بیان کرده رشد جمعیت ایران از نخستین سرشماری در سال ۱۳۳۵ تا شروع انقلاب اسلامی روندی کاهنده و پس از انقلاب اسلامی افزایش یافته به طوری که در دهه‌ی ۱۳۶۵-۱۳۵۵ یک‌بار به رشدی حدود ۴ درصد رسیده که در تاریخ کشور بی‌سابقه بود (فتحی: ۱۳۹۵). سید علیرضا ازغندی هم در کتاب تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران (۱۳۲۰ - ۱۳۵۷) بیان کرده که طی ۳۰ سال از مقطع زمانی ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۰ جمعیت ایران بیش از دو برابر شد. طی ۲۵ سال اول حکومت محمد رضا تا ۱۳۴۵ سال نرخ رشد جمعیت ۳/۱۳ و طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ نرخ رشد به ۲/۷۱ کاهش یافت که آن هم به دلیل اجرای سیاست کنترل موالید در دولت هویدا بود (ازغندی: ۱۳۸۴). تفاوت این پژوهش با پژوهش‌های دیگر در این است که پیامدهای کاهش جمعیت را در دوران پس از اپیدمی کرونا به عنوان «طاعون قرن» مورد بحث و بررسی قرار داده است و راهکارهای مناسبی را برای افزایش جمعیت ارائه داده است.

در مورد چارچوب نظری باید گفت که این پژوهش بر اساس نظریه مثبت افزایش جمعیت بر گرفته از آیات و روایات اسلامی است. بر اساس این نظریه زمین به طور نامحدود دارای امکانات و منابع لازم جهت حیات و رفاه انسانی است و نباید از این بابت نگاه منفی داشت. اکثر قریب به اتفاق ادیان و مذاهب بزرگ مانند مسیحیت و یهودیت و اسلام در این دسته قرار دارند. (ضرغامی، ۱۳۹۱: ۳). بر اساس این نظریه افزایش جمعیت نه تنها موجب فقر نمی‌شود بلکه موجب توسعه و رفاه هم می‌شود. افزایش جمعیت موجب تخصصی سازی یا تقسیم‌کار می‌گردد که خود رفاه بیشتر را به دنبال دارد. از طرف اساساً در جمعیت بیشتر احتمال تولد افراد نخبه بیشتر است. همچنین مقوله جمعیت منجر به تولید قدرت در ابعاد مختلف می‌گردد.

تعریف مفاهیم

سبک زندگی

سبک زندگی اسلامی اصلاحی نسبتاً جدید است. سبک زندگی اسلامی اصطلاحی که از سوی آیت‌الله سید علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران در جمع جوانان استان خراسان شمالی مورد تأکید قرار گرفته و از آن زمان به‌عنوان یکی از کلیدواژه‌های محافل علمی و اجتماعی در جهان مطرح شد.

طبق نظر ایشان، سبک زندگی، یعنی رفتار اجتماعی و شیوه زیستن که آشنایی با آن از دو جهت مادی مانند زندگی راحت و برخوردار از امنیت روانی، اخلاقی و معنوی برای رسیدن به هدف اصلی انسان، یعنی رستگاری، فلاح و نجات برای انسان ضرورت دارد و همچنین شرط رسیدن به تمدن اسلامی نوین است. مصادیق متعددی برای سبک زندگی شمرده شده که تقریباً همه جنبه‌های زندگی انسان را در برمی‌گیرد از نحوه رفتار با همسر و فرزندان در خانواده گرفته تا مسئله نوع مسکن، نوع لباس،

نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات و مسئله خط، زبان، کسب‌وکار و نوع رفتار با دوست و دشمن که بخش‌های اصلی تمدن بوده و متن زندگی انسان است (خامنه‌ای، ۱۳۹۱:۱).

برخی جامعه‌شناسان این اصلاح را به ماکس وبر جامعه‌شناس آلمانی نسبت می‌دهند و برخی روانشناسان آن را به آلفرد آدلر اتریشی بنیان‌گذار رویکرد روانشناسی فردی نسبت می‌دهند (کاپیانی، ۱۳۹۰: ۲۹) بیشتر صاحب‌نظران آن را به آلفرد آدلر ۱۹۲۹ نسبت می‌دهند و بر ایشان اجماع دارند.

سبک زندگی نظریه نسبتاً شایعی است که بیشتر اوقات برای اشاره به روش زندگی مردم بکار گرفته می‌شود و بازتاب کامل ارزش‌های اجتماعی، طرز برخورد و فعالیت‌ها است. سبک زندگی از طریق روابط متقابل فرد با دیگران آموخته می‌شود و در زمینه شاخص‌های شناخته شده سبک زندگی می‌توان به فعالیت‌های فیزیکی، اوقات فراغت، خواب‌و بیداری، روابط اجتماعی و روابط خانوادگی، معنویت، ایمنی و آرامش، تغذیه و غیره اشاره کرد که هر یک به‌منزله شاهراهی از زندگی افراد محاسبه می‌شوند (Horowitz, 2002, p.148). در تعریفی دیگر سبک زندگی مجموعه عقاید، طرح‌ها و نمونه‌های عاداتی رفتار و هوس‌ها و شیوه‌های تبیین شرایط اجتماعی یا شخصی است که نوع خاص واکنش فرد را تعیین می‌کند (Fuchino et al., 2003, p.308). اکثر صاحب‌نظران سبک زندگی را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «از مهم‌ترین ابزارهای پرورش انسان مطلوب در خانواده، می‌توان به «سبک زندگی اسلامی» که شامل مجموعه‌ای به‌هم‌پیوسته از الگوهای رفتاری در حوزه‌های مختلف حیات بشری است، اشاره نمود؛ سبکی که از دل اصول کشف شده از مبانی تربیتی، یعنی هستی‌ها و دارایی‌های آدمی برمی‌خیزد و ضمن ایجاد روابط پایدار میان افراد خانواده و یکسان‌سازی رویه‌ها در جامعه، نقش به‌سزایی در تزکیه روانی، پرورش صفات کمالی، نیل به سعادت و رشد ارزش‌های انسانی دارد» (کاپیانی، ۱۳۹۱، ۱۶).

سبک زندگی اسلامی به معنای روش و منش و چگونگی کار است. سبک زندگی اسلامی یعنی در زندگی هر فرد چه شخصی، چه خانوادگی و چه اجتماعی قواعد و الگوها و قالب‌ها و ملاک‌های اسلامی نقش مهمی ایفا کنند یعنی روش‌ها را بر اساس آنچه اسلام گفته و خواسته به کار گیرد (شریعت پناه، ۱۳۹۲: ۵۰). در این پژوهش سبک زندگی مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتار، حالت‌ها و سلیقه‌ها در هر چیزی را در برمی‌گیرد و به تعبیر دیگر چگونه زیستن است.

جمعیت

واژه جمعیت در لغت به معنی تمام افرادی است که در یک ناحیه جغرافیایی اعم از شهر یا روستا زندگی می‌کنند (Wehmeier, 2005; 1171). در جمعیت‌شناسی، تمام یا بخشی از ساکنان یک ناحیه را «جمعیت» می‌گویند (تقوی، ۱۳۷۸: ۳). و در اصطلاح به کلیه کسانی که به‌طور مستمر در یک واحد جغرافیایی اعم از کشور، استان، شهرستان، شهر یا روستا به‌صورت خانوار و خانواده زندگی می‌کنند، جمعیت گفته می‌شود (کازمی پور، ۱۳۸۳: ۱۳). بدین ترتیب، جمعیت‌های ویژه‌ای که برای منظوری خاص، در زمانی مشخص و مکانی معین دور هم گرد آیند مانند غوغا، ازدحام لزوماً در جمعیت‌شناسی مورد نظر نیستند. منظور از جمعیت در این پژوهش کلیه افرادی است که به‌صورت خانوار و خانواده با حفظ تعلق در محیط سرزمینی کشور ایران سکونت دارند.

ضرورت و اهمیت فرزند آوری بر اساس آیات و روایات اسلامی

بنا به نگرش اسلام، فرزند آوری فواید فراوانی دارد و داشتن فرزند و باقی گذاشتن نسلی صالح برای هر مسلمانی یک امر مبارک و میمونی تلقی می‌شود. سزاوار نیست هیچ مسلمانی به اختیار خود بدون ذریه بماند. کثرت جمعیت در اسلام معیار برتری و قوت شمرده شده است از این رو خداوند در قرآن کریم اشاره به زمانی می‌فرماید که مسلمانان پیش از هجرت در مکه با تعداد جمعیت اندک خود محصور بودند و از مشرکان هراس داشتند: «وَ اذْکُرُوا اِذْ اَنْتُمْ قَلِیلٌ مُّسْتَضْعَفُوْنَ فِی الْاَرْضِ تَخَافُوْنَ اَنْ یَّتَخَفَکُمْ النَّاسُ فَاَواکُمْ وَ اَیْدِکُمْ بِنَصْرِهِ وَ رَزَقْکُمْ مِنَ الطَّیِّبَاتِ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُوْنَ» (سوره انفال: آیه ۲۶). «به خاطر بیاورید هنگامی که شما گروهی کوچک و اندک و ضعیف در روی زمین بودید آنچنان که می‌ترسیدید مردم شما را بریابند ولی او شما را پناه داد و یاری کرد و از روزی‌های پاکیزه بهره‌مند ساخت تا شکر نعمتش را به‌جا آورید» در تفسیر آیه شریفه مذکور می‌توان گفت همان‌گونه که جمعیت

کثیر دشمن می‌تواند موجب هراس مسلمانان شود، جمعیت کثیر مسلمانان نیز می‌تواند رعب و وحشت در دل دشمنان بیفکند. ساموئل هانتینگتون که صاحب نظریه برخورد تمدن^۳ هاست در مصاحبه‌ای در پاسخ به علت چالش تمدن اسلام با تمدن غرب در آینده می‌گوید: «یکی از مشکلات ما در مقابل کشورهای مسلمان، زادوولد زیاد در این کشورها است؛ جنبش‌های اجتماعی را آن‌ها به وجود می‌آورند. بنابراین تا چند سال دیگر که ما کشورهای غربی اُفت جمعیتی خواهیم داشت، این برای ما یک تهدید بزرگ است. تمدن اسلامی تمدنی است که چالش آن تا حدودی متفاوت از دیگر چالش‌هاست، چراکه این تمدن اساساً ریشه در نوعی پویایی جمعیت دارد. رشد بالای زادوولد که در اکثر کشورهای اسلامی شاهد آن هستیم، این چالش را متفاوت کرده است. امروزه بیش از ۲۰ درصد از جمعیت جهان اسلام را جمعیت بین ۱۵ تا ۲۵ سال تشکیل می‌دهد که این خطر بزرگی برای اهداف غرب به حساب می‌آید (قراکز لو، ۱۳۸۳: ۴۰).

آنچه که هانتینگتون از رشد جمعیت اسلام به ویژه جمعیت جوان ابراز نگرانی می‌کند و از آن به عنوان چالش برای تمدن غرب یاد می‌کند همان چیزی است که اسلام به دنبال تحقق آن بوده است به این معنا که رو به رشد بودن جمعیت مسلمانان موجب جوان شدن جمعیت و کثرت آن می‌شود که همواره مورد توصیه قرار گرفته است. لذا یکی از مهم‌ترین مقاصد در نزد شارع مقدس، تکثیر نسل مسلمانان و آبادی زمین به دست جمعیت مسلمان در جهت رفع شرک و فساد بر روی زمین است. خداوند تبارک و تعالی درجایی دیگر می‌فرماید: «وَأَذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَرَكُمْ» (سوره اعراف: آیه ۸۶). «به یاد آورید روزی را که اندک بودید و بسیارتان کردیم».

در آیه مذکور ازدیاد نسل از نعمت‌ها و الطاف الهی به نوع بشر است. به دلیل اینکه انسان موجودی اجتماعی است و بدون جمعیت و تعداد کم افراد نمی‌تواند نیازهای خود را تأمین کند. لذا برای چنین موجودی کثرت افراد، نعمت بسیار بزرگی است، زیرا هر انسانی موجودی اجتماعی است و به تنهایی نمی‌تواند نیازهای مادی و معنوی خود را تأمین کند. بدین دلیل هر چه بر تعداد افراد جامعه افزوده شود انسان‌ها در حل مشکلات و تسلط بر جبر طبیعت و رفع نیازهای مادی موفق‌تر عمل می‌کنند.

قرآن کریم عطا کردن فرزند را نعمت و رحمتی از طرف خداوند مهربان به بندگان می‌داند:

«لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنِثَاءً وَ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ (سوره شوری: آیه ۴۹).

«فرمان روایی آسمان‌ها و زمین مخصوص خداست، هر چه بخواهد می‌آفریند، به هر که بخواهد دختران بخشد و به هر که بخواهد پسران بخشد». استفاده از فعل «يَهَبُ» در این آیه مبارکه دلالت بر این دارد که فرزند پسر و دختر، هردو هدیه الهی و آسمانی به والدین هستند. به همین خاطر، بندگان که مؤمن هستند طلب فرزند را در دعاهای اساسی خود قرار می‌دهند؛ چنان‌که قرآن کریم در بیان ویژگی مای «عباد الرحمن»: بندگان خداوند مهربان می‌فرماید:

«وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَرْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا. (سوره فرقان، آیه ۷۴).

«آنان هستند که گویند: پروردگارا، ما را زنان و فرزندان مرحمت فرما که مایه چشم روشنی ما باشند، و ما را پیشوای اهل تقوا قرار ده».

تولد فرزندان در زندگی حضرت ابراهیم(ع) نیز نعمت و پاداش عظیمی شمرده شده که فرشتگان بدان بشارت دادند: «وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى، قَالُوا سَلَامًا، قَالَ سَلَامًا، فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ». (سوره هود، آیه ۹۶). «محققاً فرستادگان ما (فرشتگان آسمان) بر ابراهیم (خلیل) بشارت آورده و او را سلام گفته و او پاسخ سلام بداد، آنگاه ابراهیم بی‌درنگ از گوشت گوساله کبابی آورد».

درک نعمت داشتن فرزند و توجیه اصرار مومنان در طلب آن زمانی میسر می‌گردد که کلام مشهور پیامبر اکرم(ص) را به یاد آوریم: «هرگاه شخصی از دنیا برود، عملش قطع می‌شود و دیگر حسناتی برای او ثبت نمی‌شود، مگر از سه چیز: صدقه جاریه(کار خیر ماندگار)، اثر علمی که از آن استفاده شود و فرزند صالحی که برای او دعا کند». بر این اساس در ادبیات دینی، فرزند یکی از مصادیق مهم «باقیات الصالحات» است (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۱۸۵).

۴- ساموئل هانتینگتون نخستین بار در تابستان ۱۹۹۳ نظریه مشهورش را در مقاله ای به نام «برخورد تمدنها» در مجله سیاست خارجی مطرح کرد. از نظر هانتینگتون از این پس امور جهانی حاصل کنش و واکنش هفت یا هشت تمدن بزرگ شامل تمدن غربی، اسلامی، کنفوسیوس، ژاپنی، هندو، اسلاو، ارتدوکس آمریکای لاتین و تمدن آفریقایی شکل خواهد گرفت. ایشان خطوط گسل میان تمدنهای مزبور را منشای درگیری های آتی و جانشین واحد کهن ملت - دولت خواهد شد (عیسی زاده، ۱۳۹۵: ۴۱-۴۱).

در روایتی آمده است: شخصی به امام موسی کاظم (ع) نامه‌ای نوشت که من از پنج سال پیش، از بچه‌دار شدن خودداری می‌کنم؛ زیرا همسرم داشتن بچه را ناخوش می‌دارد و می‌گوید: «به دلیل این که امکانات خوبی نداریم، تربیت آنان برای من دشوار است. پس صلاح کار چیست و شما چه نظری دارید؟ امام موسی کاظم (ع) برای او نوشتند: بچه‌دار شوید و بدانید خداوند مهربان آن را روزی می‌دهد» (کلینی، ۱۴۰۷، ق: ۳).

همانگونه که اشاره شد هراس از بچه‌دار شدن به دلایل اقتصادی در گذشته و زمان جاهلیت نیز وجود داشته است؛ از این رو خداوند متعال می‌فرماید: «فرزندان خود را از ترس تهیدست شدن و از بین رفتن سرمایه نکشید زیرا ما آن‌ها را روزی می‌دهیم و به تحقیق کشتن آن‌ها گناهی بزرگ است» (اسراء، ۳۱).

سعدی درباره اقتصادی نگریستن به فرزندآوری این گونه می‌سراید:

پدر سر به فکرت فرو برده بود	یکی طفل دندان برآورده بود
مروت نباشد که بگذارمش	که من نان و برگ از کجا آرمش؟
نگر تا زن او چه مردانه گفت	چو بیچاره گفت این سخن پیش جفت
هر آن کس که دندان دهد نان دهد	مخور گول ابلیس، تا جان دهد

(سعدی، ۱۳۹۳: ۱۱۱).

پیامبر می‌فرماید: «اگر مؤمن از دنیا برود منقطع از عمل می‌شود مگر اینکه ولد صالحی داشته باشد که برای او دعا کند» (علامه مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲). همچنین از پیامبر روایت شده است که فرزندان در عرش برای پدرانشان استغفار می‌کنند (علامه مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴). براین اساس باید گفت فرزندان باقیات الصالحات برای والدین خود به شمار می‌روند. فرزند جگرگوشه مؤمن است. اگر پیش از والدین بمیرد، برایشان شفاعت می‌کند و اگر بعد از آن‌ها بمیرد، برایشان استغفار می‌کند و خداوند در اثر استغفار فرزند، والدین را می‌بخشد (محدث نوری، ۱۴۰۸، ۱۱۲). پیامبر اسلام می‌فرماید: «چه چیزی مانع مؤمن از ازدواج می‌شود، چه بسا خداوند به او فرزندی عطا کند که زمین را با گفتن ذکر لا اله الا الله سنگین کند» (ابن ابی جمهور، ۱۳۶۲: ۲۸۸).

همچنین پیامبر اسلام می‌فرماید: هر کس سه فرزند دختر بیاورد سه روزه از ریاض بهشت به او اعطاء می‌شود که هر روزه از دنیا و آنچه که در دنیاست وسیع‌تر است (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۱۱۵).

در اخباری دیگر از ایشان آمده است «هر کس یک فرزند دختر داشته باشد خداوند آن فرزند دختر را برای او ساتری در برابر آتش قرار می‌دهد، اگر دو فرزند دختر داشته باشد به واسطه این دو، او را وارد بهشت می‌کند و هر کس سه یا بیشتر داشته باشد جهاد و صدقه از او برداشته می‌شود» (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۱۱۶).

بر اساس موارد مذکور از نظر اسلام فلسفه نکاح جهت افزایش نسل و جلوگیری از انقراض نسل است، بدین جهت اگر روزی به عللی خوف انقراض نسل انسان باشد نکاح واجب می‌شود، اگرچه در حال عادی مستحب است. حتی در جائی که موازنه جمعیت به ضرر اسلام و به نفع کفار است نکاح و ازدیاد نسل واجب است.

از نگاه آیات و روایات اسلامی فرزندآوری امری مطلوب شمرده می‌شود و فرزند از ارکان اصلی خانواده به شمار می‌آید و خانواده بدون فرزند خانواده‌ای ناقص به شمار می‌آید. لذا نگرش اسلام نسبت به فرزند مثبت بوده است. در مورد فرزندآوری در تعالیم دینی با تعابیر زیبایی چون، عطیه، موهبت الهی، میوه دل، نور دیده، مایه خوش بختی، یاری کننده، مایه ثواب و پاداش اخروی، رحمت و غفران الهی، باعث خیر و برکت در خانه یاد شده است. همچنین تربیت فرزند به ویژه فرزندان دختر، مایه پاداش معنوی، رضایت قلبی، داخل شدن در رضوان و بهشت پروردگار و صدقه جاریه به حساب آمده است (پرسمان دانشگاهی، ۱۳۹۲: ۱). بنابراین دین مقدس اسلام بر فرزندآوری سفارش موکد کرده است و مسلمانان را به فرزندآوری و ازدیاد نسل تشویق کرده است.

راهکارهای سبک زندگی اسلامی برای افزایش جمعیت

جمعیت از نظر حجم، ساخت، ترکیب و پراکندگی یکی از مؤلفه‌های قدرت ملی است. تهدیدهای کاهش جمعیت و آثار آن بر امنیت ملی و تأمین نیروی انسانی یکی از فاکتورهای کلیدی در تولید اقتدار و قدرت ملی و استحکام ساخت درونی قدرت نظام است. مهم‌ترین اهداف و کارکردهای خانواده، حفظ و بقای نسل بشر در یک ساختار و نظام قانونی و مشروع است و شاید بتوان

گفت که این کارکرد، مهم‌ترین کارکرد خانواده است. ترویج فرهنگ غرب در قالب راحت‌طلبی در جامعه یکی از مهم‌ترین دلایل کاهش جمعیت است، غربی‌ها می‌گویند «فرزند کمتر زندگی بهتر»، و برای رهایی از مسئولیت و مخارج بچه‌ها اقدام به نگهداری حیوانات در منزل می‌کنند. حال متأسفانه شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر» به فرهنگ تبدیل شده است، در صورتی که باید آن را به شعار «فرزند بیشتر، زندگی بهتر، جامعه قوی‌تر و کشوری آبرومندتر» تبدیل کرد تا بتوان بر چالش کاهش جمعیت فائق آمد در زیر برخی از مهم‌ترین راهکارها برای افزایش جمعیت پیشنهاد می‌گردد که اهم آن به شرح ذیل است:

۱- از کلیدی‌ترین راهکارهای افزایش جمعیت تشویق جوانان به ازدواج و تشکیل خانواده است. با بیان آیات و روایات مربوط به ازدواج، سنت ائمه علیه‌السلام در این امر و تقویت بنیادهای اعتقادی جوانان می‌توان آنان را در امر ازدواج تشویق کرد. نگاهی به سیره اولیای الهی همه آن‌ها ازدواج را امری مناسب می‌دانستند، چنان که رسول خدا (ص) در حدیثی می‌فرماید: «مَا بَنَى فِيهِ الْإِسْلَامَ بِنَاءً أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ التَّزْوِيجِ: در اسلام هیچ بنایی محبوب‌تر از ازدواج نزد خداوند نیست» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ق: ۳). همچنین در روایت دیگر آمده است از رسول خدا نقل شده که هر کس آیین فطری مرا دوست دارد، به سنت من گرایش پیدا کند و نکاح از سنت من است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۲۰). آن حضرت می‌فرماید: «ای جوانان! هر کس قدرت جنسی دارد، ازدواج کند؛ زیرا ازدواج برای حفظ چشم و فرج بهتر است و هر کس توانایی مالی ندارد، روزه بگیرد؛ زیرا روزه برای او شکننده شهوت است». از سعید بن جبیر نقل است که «ابن عباس در سفر حج به من برخورد. از من پرسید: ازدواج کرده‌ای؟! گفتم: نه. گفت: برو ازدواج کن. سال دیگر به من برخورد، پرسید: ازدواج کرده‌ای؟! گفتم: نه. گفت: برو ازدواج کن؛ زیرا بهترین این است، یعنی پیامبر از همه بیشتر زن داشت» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۲۰). بنابراین تقویت بنیادهای اعتقادی جوانان یکی از وظایف مومنان آگاه و به‌ویژه روحانیت هست که با تمسک به مایه‌های دینی جوانان را تشویق به ازدواج کنند.

۲- تشویق جوانان به ازدواج در سنین پایین: در گذشته با توجه به اعتقاد خانواده‌ها ازدواج در سنین پایین و بلوغ را یک تکلیف شرعی می‌دانستند و جوانان را امر به ازدواج می‌کردند. امروزه بالا رفتن سن ازدواج یکی از معضلات مهم جوامع اسلامی است. زیرا با افزایش سن ازدواج، جوانان از شیوه بهنجار رضای‌غریزه جنسی و آثار و فواید آن محروم می‌شوند. در جوامع گذشته پسران و دختران با رسیدن به سن بلوغ، یا کمی بعد از آن اقدام به ازدواج می‌کردند و مجرد ماندن یک نقص اجتماعی محسوب می‌شد. اما با پیچیده‌تر شدن جوامع و ایجاد خواسته‌ها و انگیزه‌های کاذب، ذائقه اجتماعی تغییر یافت و به تبع این تغییر ذائقه، نیاز طبیعی و غریزی به ازدواج سرکوب و این روند، تا جایی پیش رفته که امروزه در بعضی جوامع غربی، جوانان به کلی از ازدواج سرباز زده‌اند و آن را مانعی برای آزادی خود تلقی می‌کنند. براین اساس اسلام این الگو افزایش سن ازدواج را رد می‌کند. امام رضا (ع) می‌فرماید: جبرئیل امین بر پیامبر خدا (ص) نازل شد و عرض کرد: ای محمد (صلی‌الله علیه وآله) پروردگارت به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: دختران باکره مانند میوه درختان هستند و همان‌گونه که میوه وقتی می‌رسد، چاره‌ای جز چیدن ندارد، و گرنه تابش خورشید و وزش باد آن را فاسد می‌کند، دختران باکره هم وقتی به سن بلوغ و ازدواج می‌رسند، چاره‌ای جز ازدواج ندارند، و گرنه از گرفتار شدن به فتنه و انحراف، در امان نیستند. آنگاه رسول خدا (صلی‌الله علیه وآله) مردم را جمع کرد و به منبر رفت و پیام پروردگار عزیز و بلندمرتبه را به آنان ابلاغ نمود (حرّ عاملی، ۱۳۶۲: ۱۰۴).

از طرفی بر اساس دستاوردهای علمی افزایش سن ازدواج و بارداری در سنین بالا شاهد به دنیا آمدن کودکان معلول و عقب‌مانده نیز خواهد بود که تولد این کودکان سبب مسائل و مشکلاتی برای خانواده‌ها می‌شود. حتی اگر فرزندان، سالم متولد شوند به دلیل سن بالای والدین، مشکلاتی همچون بی‌حوصلگی پدر و مادر در برخورد با فرزندان و نداشتن توانایی جسمی برای همراهی فرزندان خود به وجود می‌آید. بهترین سن بارداری در زنان بین ۱۸ تا ۲۵ سال است در حالی که سن ازدواج در جامعه امروز بین ۳۰ تا ۳۵ سال است و امکان بارداری بعد ۳۵ سال کاهش یافته یا با مشکلاتی همراه است. بنابراین کاهش سن ازدواج به‌ویژه در دختران می‌تواند به افزایش جمعیت کمک کند.

۳- **برنامه‌ریزی برای کاهش طلاق:** خانواده، کوچک‌ترین نهاد اجتماعی و درعین حال یکی از مهم‌ترین ارکان جامعه است که قوام آن به پایداری و تعهد کامل زوجین به یکدیگر بستگی دارد اما وجود برخی عوامل موجب شده تا دوام چارچوب خانواده دستخوش ناملایمات و آسیب‌ها شود. در دوره‌های زمانی مختلف، با چالش‌ها و گرفتارهای متعددی افراد روبرو می‌شوند و اکثر

مردم آستانه تحمل‌شان کاهش پیدا کرده و برخی از آن‌ها با بروز کوچک‌ترین ناملایمتی از حریم تعهد و تاهل خانواده خارج می‌شوند. یکی از مهم‌ترین دلایل طلاق، بحث ناخوشایند بی‌تعهدی و بی‌وفایی است که متأسفانه با حضور شبکه‌های اجتماعی که از طرف دنیای کفر هدایت می‌شوند موجب نگرانی‌هایی شده است. زشت دانستن طلاق و زندگی تک‌زیستی در میان خانواده‌ها بر اساس سبک زندگی اسلامی یکی از مهم‌ترین عوامل بازدارنده طلاق است.

۴- حمایت دولت و نخبگان جامعه از فرزند آوری: با توجه به سیاست مای دولت مای در دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ و تبلیغ تک‌فرزندگی گرایش خانواده مای به فرزند آوری کاهش یافته است. بی‌شک ترویج تک‌فرزندگی و حتی دو فرزندگی شعاری نامطلوب و سیاستی نامناسب بوده است؛ تک‌فرزندگی به‌عنوان بلایی برای خانواده‌های جامعه است. بر اساس تحلیل محتوا از تحقیقات انجام‌شده فرزندان خانواده مای تک‌فرزندگی خشن و پرتوقع بار می‌آیند و ممکن است در آینده هم سرکش و خشن می‌شوند و بعضاً برای جامعه مضر خواهند بود. لذا به هیچ وجه یک فرزندگی و دو فرزندگی نباید ترویج شود. بلکه همگان باید به عنوان وظیفه شرعی و وظیفه اجتماعی این مسئله را مورد توجه قرار دهند. بسیاری از کشورها سیاست مای تشویقی برای فرزند آوری بیشتر در پیش گرفته‌اند، اما بر اثر تبلیغات دشمنان در کشورهای جهان اسلام، به کاهش فرزند آوری اقبال می‌شود. لذا مسئله عقیم کردن مردان و زنان پیشنهاد شد و الان بسیاری از کشورها با این مشکل مواجه هستند؛ متأسفانه کشور ایران نیز در دام آن‌ها گیر افتاده‌اند.

حال برای خروج از این وضعیت باید افزایش فرزند را در دستور کار قرار داد، بدین نحو که هر خانواده باید حداقل سه فرزند داشته باشد. نقش رسانه‌ها در ترویج فرهنگ فرزند آوری نیز بسیار مهم است باید فرهنگ‌سازی کنند به ویژه رسانه ملی در این زمینه نقش خود را ایفا کند. از سوی دیگر نباید با بهانه‌هایی همچون درس خواندن، خرج و مخارج و دیگر مسائل که رفاه‌طلبی بیش نیست، نسبت به فرزند آوری بیشتر بی‌توجه شود. حق فرزند و عایله‌مندی برای حقوق‌بگیران دولت افزایش پیدا کنند. زنان شاغل از مزایای ویژه‌ای برخوردار گردند. حق اولاد هم در فیش حقوقی زنان شاغل لحاظ گردد و مادران خانه‌دار از بسته مای حمایتی ویژه برخوردار گردند. جهاد فرزند آوری به عنوان یک فریضه از طریق علما و عالمان دینی تبلیغ و ترویج گردد.

برخی خانواده‌ها تحت تأثیر شادکامی مای لیبرالی از فرزند آوری شانه خالی کنند و در بسیاری موارد خرج و مخارج را بهانه قرار می‌دهند تا صاحب اولاد نشوند، از این رو خداوند متعال در قرآن مجید، این وعده را می‌دهد که رزق فرزندان را می‌رساند، آن‌چنان که می‌فرماید: «لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ» (سوره انعام: آیه ۱۹۱). فرزندان تان را از بیم فقر نکشید، ما شما و آن‌ها را روزی می‌دهیم». یا در احادیثی این‌گونه آمده است که شخصی به امام هادی (علیه‌السلام) نامه می‌نویسد: که، مدت پنج سال است که از بچه‌دار شدن جلوگیری می‌کنم، چون همسرم بچه (زیاد) را دوست ندارد و می‌گوید: وضع مالی ما خوب نیست و به خاطر فقر نمی‌توانیم به تربیت بچه، آن‌جوری که شایسته است برسیم، نظر شما چیست؟ حضرت در پاسخ این فرد نوشتند: «اطْلُبِ الْوَلَدَ فَإِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُهُمْ: جلوگیری را ترک کن و فرزند دار شو که خداوند رزق و روزی را تأمین می‌کند.» (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۳۳۴). بنابراین حکم اولیه اسلام فرزند آوری و زیادی نسل است.

۵- جلوگیری از وسایل ضدبارداری و عقیم کردن در درمانگاه‌ها و کلینیک: لذا باید وسایل جلوگیری از بارداری از داروخانه‌ها جمع گردد و به لحاظ حقوقی هم برخورد قهری با ترویج کنندگان صورت گیرد. از طرفی پزشکان و درمانگاه‌ها موظف گردند که از سقط‌جنین جلوگیری گردد و فقط در شرایطی که جان مادر در خطر باشد مجوز سقط‌جنین را صادر نمایند. ۶- افزایش امیدآفرینی به آینده شغلی برای جوانان: با توجه به وضعیت کار و اشتغال، خانواده‌ها نگران آینده فرزندان‌شان هستند. تصور آن است که آینده از امروز بدتر خواهد شد و بهترین راه برای افزایش جمعیت توجه دولت به رشد اقتصادی کشور است. لذا می‌توان با روش‌های تشویقی فرزند آوری همچون دادن مبالغ نقدی در صورت فرزند آوری و دادن مرخصی‌های کاری به مادران باردار، دادن بیمه‌ها و حقوق‌هایی در ضمن بارداری به تشویق فرزند آوری کمک گردد. مواردی از قبیل پرداخت هزینه‌های دوران حاملگی تا ۵ سالگی نوزاد و باز کردن حساب‌های آتیه برای نوزادان برای تأمین آینده آن‌ها و طرح‌های تشویقی دولت مثل دادن مسکن به افرادی که از ۴ فرزند بیشتر دارند جوانان را نسبت به ازدواج و تولید نسل تشویق کرد.

۷- درمان و معالجه ناباروران: ناباروری به معنای باردار نشدن پس از دوره‌ای رابطه جنسی بدون استفاده از روش‌های پیشگیری است. برخی از زوج مای ایرانی از ناباروری رنج می‌برند. ناباروری می‌تواند به خاطر مشکلی از سمت مرد یا زن یا ترکیبی از مشکلات هر دو نفر

باشد. بنابراین دولت و نهادهای خیریه می‌تواند در تأمین هزینه مای درمان ناباروی به این دسته از خانواده کمک کنند تا آن‌ها هم بتوانند در آینده بچه‌دار و صاحب فرزند گردند.

۸- جلوگیری از بی‌بند باری و فساد اخلاقی: سلامت جنسی یکی از جنبه‌های اصلی سلامت فردی است که همه مردم را در همه سنین و همه مراحل زندگی، تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر برای کسی به هر دلیلی امکان ازدواج نباشد، چنین شخصی تحت هیچ عنوان مجاز نیست روی به گناه آورد زیرا خطر گناه و آلوده‌دامنی بسیار فراتر از فشارها و رنج‌های عزوبت و بی‌همسری است و در صورت خوف وقوع در گناه، ازدواج به هر صورت ممکن واجب می‌شود. لذا چنین کسی یا باید خود را کنترل کند و دست به گناه نیالاید و یا مقدمات ازدواج خود را از هر راه ممکن فراهم آورد. قرآن کریم می‌فرماید: « وَ لَئِیْسَتَغْفِیَ الَّذِیْنَ لَا یَجِدُوْنَ نِكَاحاً حَتّٰی یُعْیْنَهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ » (سوره نور: آیه ۳۳). و باید آن کسانی که ازدواج برایشان مقدور نیست عفت بورزند. بنابراین با رعایت حجاب و عفاف از طرف مردان و زنان به ویژه بانوان در زمینه حفظ حجاب افراد جامعه از بسیاری از خطرات حفظ خواهد شد و مهمتر از همه اینکه با حفظ حجاب کیان خانواده که اصلیتین نهاد اجتماع است در معرض خطر قرار نمی‌گیرد و از طرفی وقتی ریسک بی‌بندوباری کم گردد افراد کم تر به سمت ازدواج و تشکل خانواده سوق پیدا می‌کنند در نتیجه سن ازدواج بالا می‌رود و از میزان باروری کاسته می‌گردد. برای رسیدن به این منظور باید فرهنگ حجاب در جامعه گسترش پیدا کند و در این امر دولت، خود مردم، رسانه‌های گروهی می‌توانند نقش مؤثری بر ترویج حجاب داشته باشند که در صورت تحقق این موضوع جامعه از خطرات حفظ و آسیب‌های اجتماعی کاهش می‌یابد.

۹- راه‌اندازی شبکه‌های مجازی خانوادگی از طرف بخش خصوصی و دولتی: راه‌اندازی شبکه‌های مجازی خانوادگی از طرف دولت یا خیرین بخش خصوصی به جهت تغییر نگرش افکار نسبت به فرزند آوری از مهم‌ترین موارد اقبال به افزایش جمعیت است. البته ترغیب مردم به ازدواج و فرزند آوری، با وجود ساختارهایی که همه به کاهش جمعیت دعوت می‌کنند کار آسانی نیست و هر چه اقبال داخلی نسبت به سیاست‌های جهانی بیشتر باشد، فرزندآوری تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد. امروزه با نقش شگرف رسانه در جوامع بشری و تأثیر آن در انتقال اطلاعات و افکار، باید توجه داشت که رسانه علاوه بر تأثیرات مثبت، می‌تواند با تبلیغ جرم و فساد، هرزگی و خشونت، موجب افزایش جرائم و انحرافات در جامعه گردد. در چند دهه اخیر با گسترش دامنه امواج رسانه مای بیگانه و خارج از کنترل نظام جمهوری اسلامی مانند ماهواره و اینترنت، این معضل در جامعه مصادیق بیشتری یافته است. درواقع از مهم‌ترین اهداف رسانه مای غربی تغییر سبک زندگی و گسترش بی‌بندوباری در جامعه است که از جمله مصادیق بی‌بندوباری می‌توان به فرار از خانه و روابط جنسی آزاد و اعتیاد جنسی اینترنتی اشاره کرد که رسانه نقش بسیار مؤثری بر این پدیده‌ها می‌تواند داشته باشد. بنابراین با راه‌اندازی شبکه‌های خانوادگی و تبلیغ سبک زندگی اسلامی توسط خیرین و بخش خصوصی مدافع دین و حمایت مای دولتی می‌توان تا حد زیادی اثرات شبکه‌های برون‌مرزی که مروج بی‌بند باری هستند را خنثی کرد.

۱۰- مبارزه با اپیدمی کرونا و سوبه مای حاد مرتبط با آن: در حال حاضر اپیدمی کووید ۱۹ از بهمن ۱۳۹۸ باعث افزایش مرگ‌ومیر با سرعت زیاد در جامعه شده است و از سوی دیگر ازدواج و زادوولد کاهش شدیدی پیدا کرده است. کاهش ازدواج سال‌هاست که آغاز شده، کرونا نیز آن را تشدید می‌کند، علت آن فقط بالا رفتن سن ازدواج نیست، بلکه مهم‌تر از آن بیکاری و ترس از تأمین اقتصادی است. به‌طوری که از ترس این ویروس زادوولد با سرعت خیلی بیشتری کاهش خواهد یافت. ترس از ابتلای مادر، یا فرزند به کووید ۱۹، مشکلات رعایت فاصله فیزیکی و ارتباط اجتماعی در حاملگی و نگهداری فرزند و رفتن به بیمارستان، همه و همه موجب می‌شود که خانوارها در فرزند آوری احتیاط کنند. همه‌گیری بیماری کووید-۱۹ موجب تشدید بحران میانسالی و بالا رفتن میانگین سنی جمعیت در این کشور می‌شود. مشکلات ناشی از همه‌گیری بیماری کووید-۱۹ موجب افزایش نرخ بیکاری و بحران‌های اقتصادی در جمعیت شاغل ایران شده و این نگرانی را به همراه دارد که نرخ پایین تولد نزولی‌تر شود و بحران پیر شدن جمعیت در ایران را عمیق‌تر سازد. بنابراین باید ریشه‌کنی کرونا اولویت مهم دولت و مردم قرار بگیرد و با

روش مای حفاظتی هر چه سریع‌تر این اپیدمی کنترل و دستاوردهای علمی هم بتوانند مردم را در آینده واکسینه سازند تا امنیت روانی برای تولید نسل فراهم و از طرفی جلو مرگومیر جمعیت گرفته شود.

نتیجه‌گیری

مسئله جمعیت مسئله‌ای بنیادین در امر سیاست‌گذاری و آینده‌نگری است که همواره مورد توجه و دغدغه دولت‌ها و صاحب‌نظران بوده است. به طوری که دولت‌ها پیوسته برای تحت کنترل داشتن رشد جمعیت تلاش می‌کنند. افزایش سالمندی به جهت امید به زندگی و خوشبختانه توجه به سلامت و بهداشت افراد امر مطلوبی است، ولی باید افزایش نسل جوان نیز به دلایل عدیده در حد مطلوب باشد. اکنون بسیاری از کشورهای جهان به افزایش جمعیت اهمیت می‌دهند و برای تشویق جوانان به ازدواج و فرزندآوری برنامه‌های حمایتی وضع می‌کنند. در واقع مقوله جمعیت موضوعی با ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای دولت و ملت‌ها است. روی هم‌رفته بر اساس تحلیل محتوا از آیات و روایات اسلامی رزق و برکت و روزی همراه با افزایش جمعیت است. در واقع افزایش جمعیت از علل بهبود نیروی انسانی و بهبود اقتصاد خواهد بود. نیروی انسانی جوان و با مهارت و تولد افراد باهوش موجب ارتقاء سطح کشور می‌شود و ده‌ها ثمره مفید به وجود می‌آورد.

برای افزایش جمعیت باید قوانین متناسب با این موضوع تصویب شود و نمی‌توان تنها با توصیه و سفارش مای اخلاقی به افزایش جمعیت کمک کرد. چنانچه اقداماتی در راستای اجرای سیاست‌های کلی جمعیت توسط دولت و مؤسسات خیریه و خصوصی انجام نشود و از طرفی زیربنای اجتماعی و اقتصادی برای کنترل رشد مولید مدنظر قرار نگیرد، پیش‌بینی می‌شود جمعیت کشور در ۲۵ سال آینده با رشد منفی همراه شود. با توجه به نیاز جامعه برای افزایش جمعیت و اشتغال در بخش مای مختلف، جامعه نیروی انسانی کافی و متناسبی را در آینده باید در اختیار داشته باشد. لذا تحقق چشم‌انداز آینده مطلوب جامعه با توجه به سیاست‌گذاری‌های فرهنگی بر اساس سبک زندگی اسلامی امکان‌پذیر خواهد بود. سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات پزشکی و بهداشتی در زمینه تنظیم خانواده و ارائه خدمات پیشگیری از بارداری و الزامات حقوقی و حمایت مای دولتی و تبلیغات رسانه‌ای باید بر اساس سبک زندگی اسلامی و توجه به الگوی افزایش جمعیت صورت بپذیرد تا مثمر ثمر واقع گردد.

منابع و مأخذ

- ابن ابی جمهور (۱۳۶۲). عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة. قم: سید الشهداء.
- ازغندی، سید علیرضا (۱۳۸۴). تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران (۱۳۲۰ - ۱۳۵۷). تهران: نشر سمت .
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵). من لا یحضره الفقیه. ترجمه سیدصدرالدین بلاغی. جلد ۱. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- پرسیمان دانشگاهی (۱۳۹۳). فلسفه فرزندآوری در اسلام. برگرفته از: <https://www.porseman.com>
- تقوی، نعمت‌الله (۱۳۷۸). مبانی جمعیت‌شناسی. تبریز: جامعه پژوه و دانیال. ۱۳۷۸. چاپ دوم. ص ۳.
- فتحی الهام و دیگران (۱۳۹۵). جمعیت‌شناسی ایران: ساختار و توزیع جمعیت. تهران: مرکز آمار ایران.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). وسائل الشیعه. جلد ۱۴. قم. مؤسسه آل البیت.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۱/۷/۲۳). سبک زندگی. سخنرانی در جمع جوانان استان خراسان شمالی. برگرفته: www.leader.ir
- سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۹۳). گلستان. ویراستار کاظم عابدینی مطلق. تصحیح بر اساس نسخه محمدعلی فروغی تهران: نشر نگاران قلم.
- شریعت پناه (۱۳۹۲). قواعد و الگوها در سبک زندگی اسلامی. نشریه پیامدهای انقلاب. شماره ۷۳.
- قراقرز لو، محمد، ۱۳۸۳، نقد و بررسی همه جانبه ایده برخورد تمدن‌ها، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۲۰۱ و ۲۰۲، صص ۴۰-۵۷.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). اصول کافی. جلد ۶ چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- کاویانی، محمد (۱۳۹۰). کمی سازی و سنجش سبک زندگی اسلامی. فصل نامه روانشناسی و دین. سال چهارم. ش ۲.

کاظمی پور، شهلا؛ مبانی جمعیت‌شناسی، تهران، مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، ۱۳۸۳، چاپ دوم، ص ۱۳.

ضرغامی، حسین (۱۳۹۱/۴/۲۱). افزایش جمعیت یا افزایش کیفیت جمعیت؛ کدام استراتژی؟، روزنامه دنیای اقتصاد. شماره ۲۶۸۶.

طبرسی، ابونصر حسن بن فضل. (۱۳۷۲). *مکارم الأخلاق*. جلد هفتم. قم: منشورات الرضی.

عیسی زاده، عباس و شرف‌الدین، سید حسین (۱۳۹۵). نظریه برخورد تمدن‌ها چارچوب مفهومی درک اسلام‌هراسی، مجله غرب شناسی بنیادی چارچوب مفهومی درک اسلام‌هراسی، سال هفتم، شماره دوم، پاییز و زمستان.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳). *بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار (عليهم السلام)*. بیروت. جلد دوم. دار احیاء التراث العربی.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳). *بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار (عليهم السلام)*. جلد ۱۲. بیروت: جلد دوم. دار احیاء التراث العربی.

محدث نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. جلد ۱۵. بیروت: موسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث.

-Fuchino, Y (2003). "Health-related lifestyle and mental health among inhabitants of a city in Japan". *Nippon-Koshu-Eisei-Zasshi*, 50, 303-313.

-Horowitz, A. V. (2002). "Outcomes in the sociology of mental health and illness: Where have we been and where are we going?". *Journal of Health and Social Behavior*, 43, 143-151. Edition, P:1171.

-Wehmeier, Sally; Oxford Advanced Learner's Dictionary of Current English, oxford, 2005, Seventh

